

۹۸۷ عده وارد حرمسرای شاهی شدند و حیرالمنان بیگم را از محل او بیرون کشیده و بطرف رحیمی او را کشیدند شاه از ترس خود سه روز در خانه پنهان شد لذا سران قوم و کشیده ملکه با سوگند وفاداری او را بار اطمینان داده نیکار رهامداری خود ادامه داد معلوم است حسین شاهی آلت دست کشندگان همسرش و سران طوائف بود

پس از کشته شدن ملکه ایران مادرشاه عباس سلطان محمد خدابنده با همان سران قوم عازم تبریز گردید ولایات را بین سرداران طوائف تقسیم شد

در آن موقع قسمت عربی آذربایجان ماسد حوی - سلیمان - ارومیه تا حدود مراغه و از طرفی گرگان - نهمس - اروان را بهرام پاشا و حسن پاشا تصرف کرده با پیچاه هر از سواران نواحی ساحات و بار مشغول بودند از طرف سرق از یکجا نواحی خراسان را با دعوت گرفته و مردم بیگناه را با آتش عصب میسوزاندند از شاهی نامی بیش باقی نمانده بود شاه و مردم را اعتماد الدوله اصفهانی وزیر سرداران بمقابله برخواستند لیکن بماتق بن سرداران مورد اسفاده قشون عثمانی سرداری عثمان - پاشا موحش شد که قره باغ سروان باد کوبه و تبریز را متصرف شدند اوضاع کشور نکلی و از گون گردید هرح و مرخ و نامسی در داخله کشور و تهاجمات خارجی این کشور و ملت باستانی را با لب بر تگاه روال و انقراض رسانید در این موقع اس و با امیدی خدای ایران با نفع ای را از حنائر ملی وارد صحنه سیاست و رهامداری نمود سال ۹۸۸ در خراسان بدست یاری علیقلیخان شاملو و مرشدقلیخان شاملو پادشاهی خود را اعلام نمود در آن موقع هیجده سال بیشتر نداشت در ماه ربیع الاول سال ۹۱۹ در پیشانور حش

پادشاهی شاهزاده جوان برنا گردید و در تمام کشور انتشار یافت  
 شاه عباس در برابری مشکل مهم قراردادش اول محالفت پدر که رسماً  
 پادشاه ایران و محالف او بود دوم اردست روس شهرهای شمالی قفقاز  
 نادرکوبه گرچستان قره باغ تبریز تا مراغه و تهاجم پی در پی لیسکریسان



شاه عباس کبیر

دولت مهدر عثمانی و معاهده شومی که پدرش با دولت عثمانی امضا کرده

بود و شهر مشهد هم تحت تصدی و حکومت مرتضی قلیخان پرباک اداره می شد، و پیرازیکها هم مکرر شهرهای حراسان حمله و زمی شدند و بیرحمانه دست عارت و کشتن مردم بیگناه میزدند و آنها را اقصی و کافر میدانستند و از طرفی هم پاشیدگی اوصاع کشور و هرح و مرچی که روال و انقراض را بر دیک کرده بود شاه عباس با پیروی عمل و تدبیر میخواست بدون جنگ و خونری با پدر و برادران مهر سلطنت یعنی شهر قزوین را تصرف نماید عده ای از افراد محترم و مؤثر اصمهان نام زیارت مرقد امام هشتم برد شاه عباس باز یافتند شاه دستوری در آنها داد که سرعت برگردند و با مردم دیگر هم دست شده پدر و برادرانش را با صمهان دعوت کنند که شهر قزوین حالی نماید همین کار را کردند سلطان محمد حداد شده و پسرانش بدعوت و حوه اهالی با صمهان رفته و شهر قزوین حالی شد شاه عباس با سپاهیان خود سرعت عازم قزوین گردید و بدون خونری آنها را تصرف نمود

فتوحات شاه عباس و حدمات گرانمای او را در راه عظمت کشور و بحات ملت نویسدگان توانا نوشته اند عرص این است که مردم اروپا از قدرت اس پادشاه و جنگ های حویس بین در کشور اسلامی و اختلاف بین سنی و شیعه چه استعاده ها کردند و چگونه این آتش بواق و خونری را دامن زدند - برای نمونه و تلفات بیشماری که بالغ بر میلیونها تلف نفوس در سابه تعصبات مذهبی بوقوع پیوسته در این اوراق متذکر می شوم - در کتاب مطلع الشمس تاریخ مشهد محمد حسن خان صبح الدوله می نویسد

عبدالمومن خان ازبک در زمان شاه عباس که خود را پادشاه ازبکها

میدانست با سپاه ریادی برای گرفتن شهر مشهد و نواحی حراسان  
وارد آن ناحیه گردید و شهر مشهد را محاصره کرد در آن اوقات امت حان  
از طرف شاه عباس حاکم حراسان بود در برابر عبدالمومن و سپاه اربك  
سخت مقاومت و پافشاری کرد تقسیمی که حان اربك حسته و حاضر برای  
صلح شد باس شرط که مدعی باو بدهد تا دست از محاصره بردارد و  
برود عبدالواسع بامی را با چند نفر اربك برد امت حان فرستاد در این  
موقع امت حان خبری دریافت نمود که شاه عباس با سپاه ریادی از  
اصفهان حرکت کرده و بحر اسان میآید امت حان شرایط صلح را  
پدیدرفت و دستور داد عبدالواسع را از بام بر بر افکندند او شدت و رحمت  
خود را بحان رسانید

از طرف دیگر چون حطه محاصره بر ديك شهر بود و صدای اذان  
از گلدسته حرم بگوش اربكها میرسید علی بك بام مودن که در گلدسته  
حرم اذان میگفت بعد از اذان حلقهای سه گانه راست و لعن کرد عبدالمومن  
فوراً انگشتهای خود را در گوش کرد که این کلمات را بشنود و بگوشه  
حیمة خود خرید - اتفاقاً آمدن شاه عباس تکذیب شد زیرا شاه پنجاه  
روز در شهر دامغان مرص شد و در سیر بیماری افزاده بود امت حان  
بوحشت افزاد این دفعه او بهاصای صلح کرد وعده ای برد حان اربك  
فرستاد که یکی از آنها همان علی بك مودن بوده همیشه قدر که آن افراد  
بحان معرفی شدند تا نام علی بك برده شد امر کرد جلو چادر او را  
سر بریدند و قسم خورد که در این شهر چنان خون بر برم که تا را بوبرسد  
و فرمان بورش داد امت حان شکست خورد مردم پناه بحر مطهر بردند  
آبرور اینقدر از مردم مشهد و روار را کشت که خون در حرم جاری

گرددند و عباس حرم را عازت برد و چه حسارتها وارد آورد از يكها در مذهب آسم بسیار معصب بودند زیر اشباح الاسلام عثمانی فتوی داده بود که هر کس يك را فسی (شیعه) را نکشد مثل این است که همتا دمشرک را کشته این کینه و بعض مدهی که از هیجانات روحی الهام میگردد در از یکها و تیموریان و معولها بطوری شدت داشت که متها در حه شقاوت را در باره کشن افراد شیعه و قبل عامها نکار میگردیدند و ملیونها از مسلمانان کشته شدند

در زمان سلطنت شاه عباس که دولت و ملت ایران به هتھی در حه فخر و عظمت خود رسید در سابه قدرت و کهایت این شاهشاه در عداد کشورهای بزرگ جهان بشمار بود از وائیها ازین موقعیت استعاده بیشتری کردند و برای افر و حتن آتش جنگ بین کشورهای اسلامی باین بادشاه میوسل گردیدند شاه عباس که با عرور و بحوت فو حجاب خود مایل بود شهرت جهانی او بیشتر شود میل داشت با دولتهای دور و بردنك رابطه داشته باشد بر بولد (۱) نویسنده تاریخ ملعین مسیحی در ایران میوسند ، کنت اسکس (۲) و در امرامور حار حه انگلیس برای ایجاد روابط آن دولت با شاه عباس نقشه ای کشید و پاپ کلمان هشتم را برا نگیحت که با شاه عباس مکاسه نماید و پای ملعین مذهب مسیحی را در ایران نگشاید و پاپ هم با این بهاصا موافقت کرد و نامه ای که خلاصه آن دیلا در ح میشود شاه عباس نوشت بعد از عنوان و بعد فاب رباد ، سوع جنگی و استعداد سیاسی آن اعلیحضرت دهان دهان میگردد با وجود مواعی که بر کان دشمنان ما و شما ایجاد کرده اند شهرت و افتخارات شما در

دیبای مسیحی همه جا رسیده مساحت بس ما و شما هر چه باشد ما  
 نمی توانیم که در تحسین و شجاعت شما خودداری کنیم و احساسات دوستانه  
 خود را پنهان سازیم همیشه دعا میکنم که افتخارات دیگری نصیب شما  
 بشود که شهرت و افتخارات شما را اندی سازد، بقیه نامه پاپ راجع  
 به آزادی مذهب بود و بیست نفر مبلغ مسیحی بایران فرستاد که در ترویج  
 آتش مقدس مسیح تبلیغات لازم را نمایند و با مردم تماس بگیرند و  
 زمینه را برای سیاست خارجی صاف و آماده نموده از تعصبات مذهبی  
 مسلمانان بکاهدند (معمورین سری و سیاست پنهانی هم با آنها بایران آمده  
 باشد موضوع در گری است) سپس دولت انگلیس طاهرا برای خدمت  
 شاه عباس و باطما برای تحمیرات حسگی و دامن زدن آتش بفاق و ایجاد  
 جوهری بس دولت عثمانی و ایران اتوبی شرلی و برادرش روبرت شرلی  
 را که متخصص توپ زوری هم بودند با عده ای انگلیسی بدربار شاه عباس  
 فرستاد و رود آنها بایران مورد توجه مخصوص شاه واقع گردید و وسایل  
 لازم را در اختیار آنها قرار داد ۵۰ عراده توپ و چند هزار تفنگ و  
 فشنگ برای دولت ایران ساختند در مدت بوقف شرای شاه عباس بهداری  
 او را مورد لطف قرار داد که او را محرم و طرف اطمینان کامل خود دانست  
 و در صدد برآمد که بوسیله شرلی پادشاهان اروپا را با خود همسار و  
 مربوط سازد هدایای گرانسها برای پادشاهان اروپا و نامه ها باو داد که  
 مطالبی دایر بر محالمت با دولت عثمانی در آن نامه ها بود و این مرد حق  
 باشاس هدایا را در مسکو و اسلامبول فروخت و نامه هایی که بر صدد دولت  
 عثمانی بود پادشاه آن دولت داد و آتش بفاق را سددت دامن زد و با  
 این حق شناسی بمأموریت خود حاتم داد بطرم تساریح بوسی بیست

تهاجم سیاست شیطانی احباب را برای حرابی این کشور میووسم اسگونه  
وقایع و ایحاد بفاق تارمان شاه سلطان حسین باشکال مختلف در حرابی  
بود قصد و منظور احباب از پای در آوردن هر دو کشور بود برای  
حرابی ایران نقشه فتنه افغانها و حمله با ایران کشیده شد

در تاریخ ایران بگارش عباس اقبال صفحه ۳۹۴ میویسد اورنگ  
ریب پادشاه هندوستان محرک میروس افغانی رئیس طوایف علماهی  
کلاتر افغانسان گردید و نقشه حمله با ایران کشیده شد در آن عصر و  
زمان بین ایران و هندوستان موحیات دشمی و صدمت و خود بداشت  
اورنگ ریب سحت تحت نفوذ انگلیسها و اعضاء کمپانی هند شرقی  
و آلت اجرای نقشه بود دلایل و امارات خود حکایت میکند

میروس در ایران تحریک با گر کین حان حاکم افغانستان که از  
طرف شاه سلطان حسین پادشاه ایران مصوب بود باطناً در افغان و  
شکایتها بدربار ایران از ظلم او در افغانستان نمود جواب داده شد  
میروس خود عازم احمدیه و دربار ایران گردید شاه را مردی بی کفایت  
دانست و وقت تماس با شاه هم حاصل نمود از آنجا عازم عساکت گردید در  
بعداد بر ریارت قبر شیخ عبدالعادر و ابو حنیفه رفت با حالتی  
رفت را شکایت از ظلم گر کین حان و بعصب او در تشیع نمود که بفرقه سی  
ظلم و تعدی میماند حتی سوامیس ما با او می کند چون مردم افغانستان همه  
از فرقه نسس بوده و همه علمای سی درس شکایت تمییح شدند و میروس  
فتوای قیل گر کین حان را از علماء گرفت و از بغداد با افغانستان رفت و  
خود را در حابه گر کین حان انداخت و متوصل با او شد که از تعصیر او بگذرد  
گر کین حان با سادگی که داشت مہدم او را محترم شمرد و او را مورد

عہد قرارداد میرویس محرمانہ وعده موصلت باوداد کہ دخترش را با ازدواج  
گر کیس حان در آورد گر کیس حان ہم کلا نتری اورا تصدیق کرد وموقعیت  
اورا بالا برد حال افعاستان اطراف او جمع شدند با همه آنها ہمہرانی  
سدوست نمود و در اتحاد با او قرآن سوگند یاد کردند میرویس  
بالحق مؤثری در مجمع دوستان سوگند حورده گمت تعصب و غیرت در ما  
بیست گر کیس حان میجو اهد دختر مرا برور بگیرد من ہم باچار شدم  
وعده دادم اما غیرت شما قبول میکند از اس گفتار رنگها بر افروخته شد  
وقسم حور دند کہ هر چه بگوئی اطاعت میکیم فتوای علمای تنس عیسی  
برو حوت قتل گر کیس حان را بر حال افعاستان از ائمه داد و دریکه عده از  
رحال افعاستان برد میرویس بودید گر کیس حان فرستاده محرم خود را  
برد میرویس فرستاد و وعده ازدواج را یاد آورد گردید چون عده ای را  
در آن مجلس دید بطور اشاره تذکر داد میرویس گمت این مطلب اشاره  
نمی جو اهد واضح و روشن باند گمت ازدواج پمہایی نمی شود فرستاده ہم  
مطلب را عریان کرد زمان نمود حاضرین همه شیدند و شدت حشمتک  
شدید میرویس با وعده بردنک فرستاده را روا نہ نمود و با یاران خود  
بصمیم بکشتن گر کیس گرفه زوری اورا در باعی دعوت کردند و او را  
کنسند و این واقعه در سال ۱۱۱۳ اہاق افتاد

پادشاه ایران کہ در ابر بی کفایی کارهای کشور را بہ قضا و قدر  
سپردہ بود در این قیل حیدان عکس العملی نشان داد بر حرمت میرویس  
افروده گردید و طبق بعتہ خود را آمادہ حملہ با ایران نمود چون عمرش  
وفا نکرد پسرش محمود آہمہ فصایع را در ایران مرتکب شد و ہفت  
سال کشور ایران مورد تجاوز و حوریری بیرحمانہ افعاستان گردید چه



کردند تاریخ ایران همه را تحت دارد و این حمله از حمله معمول و ادبک  
کمتر بود بلکه شدیدتر بود

همانقسم که در اوراق قلبی متذکر شدم بوسنده گان ایران تا کمون  
پیشتر از اشراف تحت تأثیر مقتضات سیاست بوده از جاه و مقام هم  
بی نظر و بی نصیب بوده اند مطابق عربان و روس پوشیده نشده می توان  
گفت این نقشه با تخریک اورنگ ریست تهیه شده و با فکر قوی تر و عالمانه بری  
این نقشه حاکمه عمل پوشیده باشد

در اسحا با مشیت الهی شامل حال ملت ایران بود و باعه ای را از  
پس پرده عیب اردحائر این کشور برانگیخت و بیاری ملت فرستاد و آن  
شخص با عظمت و پادشاه مهتدر ایران با در شاه افسار بود که در سانه سوع جنگی  
و سیاسی خود قیام و تلافی ها کرد محدود عظمت ایران را محدود نمود سبل  
حروشان سیاه با در شاه شاه ایران نظری هندوستان موجه کردند

## فصل سی و دوم

فتح هندوستان از طرف نادرشاه و نگرانی دولت انگلیس

انگلیسها از دیر زمانی بحیال تصرف کشور پهناور هندوستان افتاده بودند اما حمله پیرنگهای سیاسی دولتهای استعمارگر این است که

کشورهای مورد نظر را از راه تأسیس

مؤسسات تجارتي یا بیمارستانها

و یا مدارس و تبلیغات دینی وارد

میتشوند و در پس این سنگرها

سیاست شیطانی خود را پیشرفت

میدهند لذا انگلیسها در سال ۱۵۹۹

تجارتهای در سوآجل هندوستان

سام کمپانی هند شرقی تشکیل دادند

رفته رفته آنرا توسعه داده و تقویت

کردند تا اینکه سیاسی خود گرفت



نادرشاه شاهشاه با عظم ایران

و سیاست کارکنان آن کمپانی مانند سیاست فریبده و منحرب کمپانی

بهب خوب در ایران دولتی در دولت هندوستان تشکیل داد و حمله بهاق

بیدار و حکومت کن دست با اتحاد بهاق پس راحه های هندوستان رد وهم

با حاره کاری املاک و پیر کیمه های هندوستان پرداخت در آن زمان هندوستان

تقریباً بصورت ملوک الطوائفی در آمده بود و هر قسمتی تحت ملکیت يك مهر  
 راحه اداره می شد عمال کمپانی با مرده یکسال املاک یکی از راحه ها را  
 احاره میکرد و پول زیاد هم میداد سال دیگر ملک راحه دیگر که با اولی  
 رقابت داشت احاره می نمود که آنها همان هم می افتادند و حسنگ بر پامی شد  
 کمپانی باین بهانه عده نظامی و سپاهی سام محافظت خود وارد ساحت  
 در آن اوقات فرانسویها هم در نواحی حیدرآباد دکن دست تناسیساتی  
 رده بودند که شاید آنها هم بی مقصود بودند لذا دولت انگلیس برای  
 بیرون کردن فرانسویها که رقیب انگلیسها بودند افسر کاروان خود  
 (کلایو) را به هندوسان فرستاد با سیاست و تدبیر شیطانی خود فرانسویها را  
 از هندوسان بیرون کرد و قدرت یکسره در دست انگلیسها افتاد و داشت  
 تملک و تصرف هندوستان صورت عمل بخود میگرفت که سپاه سیل آسای  
 بادی وارد هندوستان گردید و آنها را فتح کرد انگلیسها از این فتح و  
 غلبه سریع و کم بطیر سعحت بگران گردیده خود را عقب کشیدند لیکن  
 این بگرانی در مدت کوتاهی رفع شد زیرا بادرشاه نامحمدشاه کورکابی  
 بدو جهت صالح کرد یکی برای اینکه پادشاهان اسلامی را در یک حبه  
 واحد بر صد عرب متحد نماید و حبه دیگر اینکه خود را تاج بحش در جهان  
 معرفی کرده باشد هندوستان را به محمدشاه پس داد و تاج هندوستان را  
 باو بخشید

بیماسبت میدانم که بعد از تذکر بسوع حسگی این نابعه شرق  
 شمه ای از بسوع سیاسی او شرح دهم زیرا در بسوع حسگی او بسندگان  
 ایران و کشورهای خارج مانند فرانسویها شرح داده اند ، از جمله ولتر (۱)

نوینتند و دانشمند معروف فرانسوی میسویس با ریخ جهان هرگز نشان  
نداده که سپاهی باین کوچکی کمتر از هشتاد هزار نفر سپاه بر رگی را که  
متجاوز از دو میلیون بود در اندک مدتی شکست بدهد و لکن خود معاصر  
بدر شاه بوده در آن اوقات فرانسویها ۱۵ جلد کتاب در سوع حسگی و  
حالات بدر شاه نوشتند لیکن مورخین دیگر عدد سپاه هندوستان را در  
هیدان حسگی با بدر شاه سیصد هزار مرد حسگی با دو هزار عراده توپ  
و دو هزار پیل حسگی نوشته اند و سپاه بدر را ۱۳۰ هزار گفته اند

فکر بلند و سوع سیاسی بدر شاه افشار ایسکه شرط اول قبول زمام داری  
خود را بر اتحاد ملت های اسلامی و رفع اختلاف بین فرق سنی و شیعه قرارداد  
باید از شاه میاستمدار داشت زیرا حرای کشورها و ملت های اسلامی  
را در نتیجه بفاق و اختلاف بین این دو فرقه درک نمود و باین حقیقت پی برد  
که میلیونها مردم در دوره معولها و تیموریان و ازبکها در نتیجه اختلافات  
و تعصبات مذهبی بحالک و خون کشیده شده اند که قسمتی از حوربری  
ازبکها را بوسیله سردار ازبک عبدال مؤمن در صحن معدس رسولی شرح  
دادم و بدر شاه دانست این آتش را دولت های عربی بشدت خامن زده و  
میرند بدین لحاظ بعد از فتوحات پی در پی و بجات کشور از بحاور  
بیگانگان چنانکه قبلا بگارش یافت هیئت موسسان مرکب از صد هزار  
نفر از محترمین شهر های کشور گرد آورد که تا آن عصر و زمان سابقه نداشت  
و خواست پادشاه انتحابی ملت باشد اول شرط قبول زمام داری خود را  
اتحاد مال اسلامی قرارداد که اختلاف بین سنی و شیعه را که موجب  
آنهمه حوربریها گردیده از میان بردارد و علت عمده این بفاق را سب  
و ناسرا گوئی بحلفهای نالت دانست و آنرا منع نمود مدلی ایسکه علیه و

استیلاي دولتهای عربی و وضعیت دولتهای اسلامی را پیش بینی کرده بود  
 برای این منظور حدیث بسیار و اقدام کافی کرد دولت عثمانی از قبول  
 این تقاضا طعنه رفت نادرشاه چون دید پادشاه عثمانی از موضوعی که  
 به نفع حوابع اسلامی است طعنه می رود به دولت عثمانی اعلان جنگ  
 داد پس از رد و حوردها نادرشاه بغداد را تصرف کرد و عراق عرب بتصرف  
 ایران در آمد نادرشاه بار از در دوستی در آمد بغداد را پس داد که  
 شاید مطلب خود را مسمی بر ایجاد مسمی و شیعه اجرا نماید و بطرش این  
 بود که چهار مذهب تسنن که شافعی، مالکی، حنبلی، حنبلی گفته  
 میشود مذهب شیعه هم جمعری گفته شود و مذهب پنجم اسلام نام داشته  
 باشد بار دولت عثمانی پذیرفت بار سوم و چهارم نادرشاه درخواست  
 نمود پیشرفت نکرد باچار به دولت عثمانی حمله کرد کرکوک و موصل  
 را گرفت دولت عثمانی راضی شد و معرر گردید علما و پیشوایان مذهب  
 سنی و شیعه آرادانه مجلسی تشکیل دهد و با مساحته دقیق علمی  
 اظهار نظر نماید و برفع اختلاف در این موضوع پردازد نادرشاه خود  
 با ماکن مقدسه رفت با حضور سنی سابقه ای مرقد امیر مومنان علی  
 علیه السلام را زیارت کرد و گسند مطهر را طلا گرفت و از طرف دیگر  
 سارامگاه ابوحنیبه رفت و رومی فرقه تسنن را مورد تعقد و سوازش  
 قرارداد

دولت عثمانی در این مسافرت اخیر نادرشاه مسمی درجه احترام  
 و تحلیل را از شاهشاه ایران بجا آورد و احمد پاشا حاکم بغداد را مأمور  
 بدرائی مقدم شاه و تشکیل مجلس علما نمود نادرشاه بحواست دریك  
 مسئله مذهبی ماسد پادشاهی مقدر وارد عراق گردد سپاه خود را در

تپه قرآنه گذاشت و خود با عده کمی وارد بغداد گردید احمد پاشا حاکم  
بغداد در جمع اشرف و در صحن مقدس امیر مومنان علی (ع) مجلس علما  
را تشکیل داد و يك نفر از علمای سنی را سام شیخ عبدالله مأمور نمود که  
با سایر علمای فرق تسنن در مجلس حاضر شود و با علمای شیعه وارد  
مذاکره گردد

پادشاه عده‌ای از علمای شیعه را مانند ملاباشی و روحانیون بلخ و  
بخارا و افغانستان را همراه آورده بود طرفین در آن مجلس بمباحثه و  
مذاکره پرداختند بحث در شخصیت امام جعفر صادق (ع) و مقام علمی او  
میان آمد طرفین اعتراف و تصدیق کردند که آن بزرگوار فرزند زاده  
پنجم گرامی و وارث علوم اسلامی است بالنتیجه اختلاف مرتفع شد و  
مشوری بمهر و امضای علمای سنی و شیعه در دو نسخه تنظیم گردیده می  
برای که از سیاست شاه اسمعیل و حاشیایش اظهار تأسف شود و نسبت  
بمجلسی احترامی نشود و جماعت شیعه مذهب پنجم اسلام و سام جعفری  
گفته شود با مواد دیگر که يك نسخه آنرا احمد پاشا باسلامبول فرستاد  
و نسخه دیگر در حرانه علی علیه السلام ضبط شد و معاد آن منتشر گردید  
در آن مسافرت پادشاه علاوه طلا گرفتند مطهر در جمع و در بحر  
طلا مردم کر بلا و جمع و حدام انعام زیاد داد، همسر پادشاه رصیه خانم  
دختر شاه سلطان حسین صفوی که همراه او برای زیارت آمده بود بیست  
هزار سکه طلای پادری برای تعمیرات لارمه اماکن متبرکه اهداء نمود  
از جمله سوغ و تدبیر پادشاه اینکه روس ها را از شمال بدون  
حسگ و حویری بیرون کرد و شاهکار سیاسی خود را بکار برد باین نحو  
که چون حسریافت بین دولت روس و دولت عثمانی مقدمات حسگ

شروع شده به دولت روس بیعام داد که اگر شهرهای شمالی را تحلیه  
بکنید من با دولت عثمانی همراه میشوم و هر دو کشور بر صد دولت روس  
حکم جهاد صادر میکنم روسها با این بیعام شهرهای شمالی را رها  
و تحلیه کردند

افسوس که این پادشاه بزرگ و باعنه شرق در اواخر سلطنت خود  
در ابرعدرو حیاتی که اطرافیان او نموده و پسرش را با شتهاه کاری مقصر  
و نمود کردند تا هر مان خود او را کور کرد و بعد داست بیگناه بود تعبیر  
حالت داد و افکار او دچار احتلال گردید و بحلاف گذشته که پادشاهی  
رئوف و مهر بان بود بسیار حرص و بیرحم شد که در نتیجه در شهر قوچان  
بدست علیقلی خان برادرزاده اش کشته شد و باید آرا فصلی جدا گانه در  
ریدگانی او داست که بمرص روحی دچار شده بود

چنانکه قبلا بگارش یافت هیچیک از پادشاهان جهان را نمی توان  
ارحطا و اشتهاه یا قساوت و بیرحمی مرا داست و میساید عملیات آنان را  
آنچه مربوط بحیات سیاسی و اجتماعی ملت است و آنچه را برای عمران  
کشور و رفاه جامعه انجام داده اند برای همیشه مورد سپاس گذاری ملت  
قرار گیرد و آنچه را که از راه خود خواهی و از روی هوا و هوس از آدم کشی  
و حسدگهای بدون مصلحت جامعه انجام داده اند باید مورد تقبیع شد و  
تبرداست

از مطلب دور افتادم سخن در فتح هندوستان و فو حجاب نادر بود که  
دولت انگلیس را بگراں ساخت چون انگلیسها دیدند نادر شاه  
هندوستان را پس از مدتی کوباهی تحلیه کرد نمشه قلبی خود را تعقیب  
نمودند و هندوستان را از آن خود داسته در صد بر آمدند که آرا بر

قیمت باشد از دسترد دیگران حط نماید و باین خیال افتادند که  
اگر بار بادی از ایران بر حاست و حمله باین کشور کرد هندوستان و  
ملکیت آنها در خطر خواهد افتاد و از اینرو نقشه تحریم و حرابی ایران را  
که با آن عصر قریب صد ملیون نفوس داشت کشیدند و در مدت کوتاهی  
این ملت کهن سال را از پای در آورده و این کشور پهناور را که تارمان  
شاه عباس کبیر از کشورها و دولت های مهم و معروف جهان بود در عداد  
کشور های کوچک و عقب افتاده در آورده که در اوراق بعدی حوادث  
گوناگون و حملات سیاسی کشور های عری می را شرح خواهیم داد



## فصل سی و سوم

نقشه تحریر و تحریریه و آمدن جان هانگم انگلیسی در ایران

در قرن نوزدهم میلادی که دانشمندان اروپا وارد صحنه اختراعات و اصلاحات امور اجتماعی گردیدند و برای تشکیلات و مبارزات در راه آزادی و استقرار اصول دموکراسی کوشش‌ها کردند تا دست در آن عصر کشور ایران چگونه دستخوش تطاول و کشمکش سیاسی دولتهای عرب گردید و با چه وسایلی دست به تحریر و تحریریه این کشور زده شد و چگونه این ملت کهن سال را مورد حملات سیاسی قرار دادند چنانکه نگارش یافت بعد از فتح هندوستان بوسیله نادرشاه افشار این کشور و ملت در دست تحلیل و تحریریه قرار گرفت و از همه حساب تحریکات و دست‌اندریها شروع شد روس‌ها از طرفی ناپلئون از طرف دیگر بعد دولت انگلیس تیشه بریشه اقدار و حیثیات این ملت زدند که نتوانست با کاروان توسعه فرهنگ و صنایع پیش برود و هر يك از این دولتها صورت کاری و حریدکننده‌ای برپیکر این کشور و ملت وارد آوردند

مبدأ و منشأ این کشمکش‌های سیاسی را در ایران از طرف روس و ناپلئون نباید در نتیجه دست‌اندازی دولت انگلیس به کشور پهلور هندوستان و برهم خوردن توازن سیاسی در اروپا دانست که از یکطرف ناپلئون امپراطور فرانسه را برانگیخت بویژه اینکه دولت انگلیس

فرانسوی ها را بوسیله مستر کلاویو از حیدرآباد دکن بیرون کرد و  
 امپراطور معروف روسه را برای انتقام تخریب نمود از طرفی دولت روس را  
 بگرا و تهییج کرد که از راه ایران بدریای آزاد برسد و بهندوستان  
 دست اندازی کند چون بطر کبیر نتوانست و عمرش وفا نکرد کاترین دوم  
 برای اجرای همان نقشه بحیال دست اندازی بحاکم ایران افتاد که شاید  
 راهی باز کند پس لحاظ هراکلیوس حاکم گرجستان ایران را که عیسوی  
 مذهب بود بوعده و وعید فرستاد و با خود همراه ساخت و او گرجستان  
 را تسلیم روسیه کرد آقا محمدخان قاجار با بهور و شجاعت کم بطیری  
 گرجستان را پس گرفت و هراکلیوس بداخله کشور روسیه گریخت بار  
 در زمان فتحعلی شاه قاجار دولت روس بگرجستان حمله کرد و آنجا را  
 تصرف نمود فتحعلی شاه فرزند رشید خود عباس میرزا را بطرف گرجستان  
 فرستاد و او روس ها را شکست داد و گرجستان را پس گرفت و حاکم  
 روس با ایران شروع شد در سال ۱۲۱۹ هجری که بایره حسک بین دو  
 کشور مشتعل گردید در آن اوقات دولت انگلیس با دولت ایران معاهده  
 امضا کرده بود که هر گاه دولت دیگری با ایران حمله نماید آن دولت  
 کمکهای لازمه نماید و همراه باشد چون دولت روس و انگلیس در آن  
 اوقات متحد و با بابلون در حسک بودند هیچگونه کمک و مساعدتی  
 بدولت ایران نکرد، از طرفی بابلون اطلاع یافت که دولت روس با  
 ایران با هم در حسک هستند مشی مخصوص خود ژورنر نام را با  
 هدایای گران بها بدربار فتحعلی شاه فرستاد ژورنر مدتی در کشور عثمانی  
 توقیف شد لذا بابلون در میونام را بحای او فرستاد برای امضای معاهده  
 نامه میرزا رضا خان قزوینی در تاریخ ۲۵ صفر ۱۲۲۲ در وکن اشتاس

لهستان روت عهد نامه‌ای در ۱۶ ماده بین پاپلئون و فتحعلیشاه نامه  
 رسید و قرار شد تا پایان جنگ روس با ایران پاپلئون و دولت فرانسه  
 با ایران همراه باشند و مساعدت نماید بعد از علمه ایران و پس گرفتن  
 گرجستان بلافاصله دولت ایران به دولت انگلیس اعلان جنگ دهد و  
 اتساع حدود را اعم از افعابها و غیره و اداری کند که حمله بحاکم هندوستان  
 نماید، در صورت لزوم سادرا ایران در اختیار فرانسویسها قرار گیرد،  
 پس از امضای معاهده پاپلئون سر تیپ کاردان را با عده‌ای متخصص توپ  
 زبری و مهندس با ایران فرستاد تا لوازم و تجهیزات فتحعلی شاه آنرا را  
 بمیدان جنگ و برد عباس میرزا فرستاد انگلیسها چون دیدند دشمن  
 سرسخت آنها با ایران عهدنامه امضا کرده و عده‌ای فرستاده است حیالی  
 بگراشده بحیال افتادند که آنرا لعو کنند و حدود وارد صحنه سیاست  
 ایران نشوند سر حان ملکم را با ایران فرستادند چون وارد نوشهر گردید  
 فتحعلی شاه از مقصود انگلیسها باخبر شد اجازه تدار حان مالکم با ایران  
 بیاید با حاد هندوستان برگشت و او برای تلافی این شکست حکومت  
 هند را برای تصرف حریره حارک و سواحل خلیج فارس تحریک نمود  
 تا این پایداری دولت ایران در عهد اتحاد خود پاپلئون عهدشکنی  
 کرد و چون با دولت روس اصلاح نمود اسمی از متعاهد خود ایران نبرد و  
 دستور داد سر تیپ کاردان و همراهانش از سپاه ایران خارج شوند و بدین عمل  
 صریح مهمی سیاست و حیثیات ملت ایران وارد آورد و بر کیمه انگلیسها  
 نمراتب افروخته گردید تا اینحال دولت و مردان جنگی ایران نمرماندهی  
 سردار رشید خود عباس میرزا بود است سالها در برابر قدرت دولت روس مقاومت  
 و پایداری نماید

دولت انگلیس از این موقعیت حد اکثر استفاده را نمود با همان  
 نظریه‌ای که بعد از فتح هندوستان و سپاه نادری داشت و هم اینکه  
 سفیر او را از نوشهر برگردانیده بودند و با دشمن سرسخت او عهد  
 هودت بسته بودند وارد صبح ۵ سیامت ایران گردید در سال ۱۲۲۴ هجری  
 ۱۸۰۹ میلادی حیان ملکم انگلیسی با اعتبارنامه محدود و با همان قلب  
 مملو از کینه دیرینه با ایران آمد مالکم طبق معاهده‌ای که قبلاً هر فرد  
 حویر با دولت ایران امضا کرده بود مسی برای که دولت انگلیس علاوه  
 کمکهای نظامی سالی یکصد و بیست هزار لیره کمک مالی و هزینه ایام  
 حنک را پرداخت لدا عده‌ای نظامی سرکردگی لندسای (۱) انگلیسی  
 با ایران آمدند فتحعلی شاه هم آن عده را بحسب حنک اعزام داشت و  
 آتش حنک بیش از پیش دامن رده شد عباس میرزا و سپاه ایران با تهور  
 و بیباکی مشغول حنک بودند و سپاه ایران در حال پیسرفت بود با گناه  
 دولت انگلیس با دولت روس صلح کرد سرگوراورلی خود بمیدان حنک رفت  
 و به نظامیان انگلیس دستور داد که از حنک دست بکشند و حدود  
 میانجی اصلاح بین دولت روس و ایران گردید نتیجه خیلی روشن است  
 در قدم اول شهرهای شمالی ایران به دولت روسیه داده شد سپاه ایران  
 عقب نشینی کرد این صورت امر است از صورت باپلتون شدیدتر بود از  
 طرفی هم در هر کار شکمی‌ها کردند و نگذاشتند پول و لوازم به  
 عباس میرزا فرماده سپاه برسد انگلیسها هم آن کمک مالی ۱۲۰۰۰۰  
 هزار لیره را بدادند سفیر انگلیس برای طاهر ساری خمس مور به انگلیسی  
 را با میرزا ابوالحسن ایامی بلندن فرستادند که آن وجه تعهدی را

۱ - Lindsye

دریافت دارند، هوریه میرزا ابوالحسن را ساد مسخره گرفت و در میان  
حاج بابای اصفهانی را نوشت و ملت ایران را مسخره کرد این عصر  
کتیف از توابع ایران و کتب علمی دانشمندان این کشور را مساند کتاب  
شعای ابن سینا و کتاب قانون او و کتاب حیات یا سعدی و فردوسی و غیره  
که مورد تدریس و استعاده علمی مردم اروپا بود سعی نگفت و نقاط  
صعفی که مردم اروپا به مراتب بیشتر داشته و دارند چیزی نوشت

حاصل اینکه میانهی انگلیسها علاوه شکست و از دست رفتن  
شهرهای شمالی حسارت کمرشکی به ملت ایران تحمیل شد و بعدنامه  
گلستان مسخر گردید و ملت ایران از پای درآمد

حاج ملک انگلیسی با اعتماد با محدود البته برای کمک مردم  
ایران بیامد برای تحریک و بحریه این کشور آمده بود اولاً تا بشود  
و ارتشاء را باز کرد و با دادن هدایا با عناصر مؤثر کشور تماس گرفت  
و هر يك را از طرف خود و دولت انگلیس وعده کمک سیاسی و  
مساعدت داد و در زمان فتحعلی شاه با هر يك از پسران او از در  
دوستی و حیرخواهی درآمد و همه را به پشت گرمی و پشتیبانی دولت  
بریتانیا امیدوار ساخت و اطمینان داد چنانکه دیده شد که در زمان حیات  
و بعد از مرگ فتحعلی شاه هر يك از پسران در قسمتی از کشور دعوی  
شاهی کردند و نام خود سکه زدند که اگر وزیر بی نظیری مساند  
قائم مقام زمان دار امور بود کشور ایران بعد از فتحعلی شاه از هم  
متلاشی شده بود که در قسمتهای بعدی به تفصیل خواهیم نوشت نقشه  
حاج ملک و سیاست شیطانی او در ایران سالها مورد اجرا و عمل بود

## فصل سی و چهارم

حک دوم روس و ایران تا عهدنامه ترکمانچای

دست ناپاک بیگانه در کار تحریب و تحریر ایران مارنکار  
اقتاد ریرا دیدند حدی نگذشت که دولت ایران قدرتی یافت و سردار  
رشید ایران عباس میرزا درحک بادولت عثمانی بهتوحایی نائل گردید  
شهرهای موش - احلاط - وان تلیس و کردستان را از آن کشور تصرف  
نمود و از ربه الروم را محاصره کرد از طرف دیگر شاهزاده دولت شاهی  
تا بردیکی بغداد پیشرفت و همه جا سپاه دولت عثمانی را شکست داد  
بار نقشه حک دوم با روس کشیده شد که دوباره بایره حک بین روس  
و ایران مشتعل گردید و عهدنامه شوم ترکمانچای کشیده شد باین شرح  
و تفصیل

تحریرکات (۱) و دسیسه‌هایی در شهرهای شمالی روسی بر تعدی و ستم  
روس‌ها درباره مسلمانان قفقاز و دیگر شهرهای از دست رفته ایران  
رسید که از روحانیون و ملت ایران استمداد کرده بودند آصف الدوله  
دولو (الیهارخان که خود طرف دار حدی انگلیس‌ها بود و چنانکه  
نگارش یافت وعده امارت مستقل حراسار را باوداده بودند بر دپیشوایان

---

(۱) نقل از کتاب دست نهان سیاست انگلیس در ایران نگارش جان

ملک ساسانی صفحه ۲

مذهب روث و با فریاد و اسلاما احساسات علمای مذهب اسلام را  
 برانگیخت تا حکم جهاد برصد دولت روس دادند شاه ایران هم بحکم  
 باچار ادرای علما و بهصت مردم تسبیعت کرد و باز شاهرا ده عباس میردا  
 را بطرف شمال فرستاد و جنگ دوم روس و ایران شدت تجدید گردید  
 برای شکست سپاه ایران و اس سردار بزرگ بیرگها نکاروت ارحمله  
 شکست عمدی آصف الدوله بود که کار را بکسره کرد باین نحو که حمر  
 پیشرفهای عباس میردا بمر کر میر سید آصف الدوله را با هیجده هزار  
 نفر سپاهی و یکصد ده عراده توپ طاهرا بکمک عباس میردا فرستادند  
 قبل از حرکت او عباس میردا اطلاع یافت و حوں میداست آصف الدوله  
 اردستیاران انگلیسها اسب شرحی بطهران و اولیای امور نوشت که از  
 حرکت او جلوگیری شود فایده به بخشید آن نوشته را حیاں ملک ساسانی  
 گفت برد من موجود است با اس حال آصف الدوله با سپاه و تجهیزات  
 کافی حرکت کرد در موقعیکه سپاه روس از جنگ خسته شده بود و با  
 سکونج فرمابده آن سپاه مایل باصلاح بود آصف الدوله بدون اسکه  
 عباس میردا برسد و دستور بخواهد بشهر گنجه یورش و حمله نمود و با  
 داشتن آن سپاه و توپهای زیاد خود را شکست داد و عقب بسینی کرد حمر  
 این شکست فرمابده روس رسید بر حرئت او افرده شد و از طرفی  
 بگداشتند پول فرمابنده سپاه ایران برسد این سردار رشید را بیچاره  
 کردند با شکست خورد و از کثرت تالم مسلول گردید باز انگلیسها  
 بعنوان میانجی گری وارد شده و قسمت مهم دیگر شهر های شمالی را  
 بروس هادادند و برای حساس جنگ ملع کمر شکسی ده کرور بومان تحمیل  
 نموده حکومت قوبسولی (کاپیولاسیون) برقرار نمودند لظمه بر رگی

بحیثیت ملت ایران واسمه لال کشور وارد آوردند - و چنانکه گفتیم عهد -  
نامه شوم ترکما بچای بسته شد

بقشه جنگ سوم سر کشیده شد که آن اتماماً عملی شد و آن کشته  
شدن گریبایدوف سفیر روس بود که ما بیرنگ عحیسی واقع گردید و شرح  
آن این است تعریه گردان این واقعه آصف الدوله و کارکنان اتلیجس  
سرویس بودند یعقوب ارمی که اصلاً از ارامنه فقهار بود در امور مالی  
کشور دخالت میکرد و از حاسوسان دولت انگلیس بود ملعی باقی  
آورد مورد تعقیب و مطالبه واقع شد بدستور آصف الدوله در سماعت  
روس متحصص گردید و چون مرد رنگ و زر دستی بود خود را سفیر  
روس بر دیک مساحت تقسیمیکه مورد توجه و اطمینان او واقع گردید  
گریبایدوف حوان ساده و معروزی بود یعقوب حان ارمی مگر بایدوف  
پیشهاد کرد که زبان گرچی را که تنعه روس هستند و ایرانیان آن را  
بایران آورده و برور تصاحب نموده اند بحات دهید و برادگاه خودشان  
بهرستید و آصف الدوله هم دورن کرچی داشت سفیر ساده و بی حیر از  
بیرنگ سیاسی انگلیسها امر کرد زبان گرچی را سماعت روس بردند  
و زبان گرچی آصف الدوله را بیر سماعت بردند آصف الدوله فریاد و  
اسلاما و اناموسا را بلند کرد و بحانه پیشوایان مذهب روت و آنان را  
تحریک نمود میردا مسیح استر آبادی که از علمای معروف بود عده ای را  
بطرف سماعت روس فرستاد که زبان را از سماعت روس ولو برور هم باشد  
بیرون بیاورند آن جماعت سماعت روس هجوم کردند و زبان گرچی را  
خواستند سفیر معروف و حوان روس از این حرکت بحشم آمد و با اشاره  
و دسیسه یعقوب ارمی فرمان شلیک داد درین جنگ و شلیک هشتاد و هر



مسلمان کشته شد و از آن طرف سفیر روس با ۳۶ نفر اعضاء سفارت پیر  
کشته شدند حسن اعیان اینکه در آن اوقات دولت روسیه با دولت عثمانی  
در جنگ بود و این مطلب بطور مسالمت آمیزی حل شد و فیصله یافت  
آصف الدوله و امثال او این کشور را برای مقاصد شوم خود با شکست  
و ناکامی روبرو کردند و این ملت باستانی را با همدستی اسعمازگران  
خارجی از پای در آوردند و مول شیخ بردگوار سعدی شیرازی - که  
بحکمت و بلاغت سروده

اگر بر که ای پر کسد از گلاب سگی در روی اوید شود محالان

ترددی بیست که آنچه را بیگانگان در این کشور خواستند و  
انعام دادند با دست بپاک عناصر حائن داخلی بود که در هر کشور  
وملتی اینگونه افراد پست و پلید یافت میشوند

کتاب مشروح و مفصلی که در هشت جلد به نام نوشته توانا محمود  
محمود سام روابط ایران و انگلیس نوشته شده و بطبع رسیده مداحان  
و دسائس بی حد و حساب انگلیسها را با مدارک شرح داده و در آنجا  
مورد آنرا دیلا میگذارم

فریر (۱) انگلیسی که از عمال دولت انگلیس و دو سال از سال  
۱۸۳۳ تا سال ۱۸۳۵ در ایران مسعود باشند تحم اعیان و تحریکات بود  
دو جلد کتاب از عملیات خود نوشت و قبل از فوت و جعلی شاه نادر  
حون و جعلی شاه مرد دوباره مأمور ایران گردید بطرف خراسان رفت -  
میوسند فیه و آشوب خراسان چندی بصرف شمشیر عباس میرزا خوانید

---

(۱) نقل از کتاب روابط ایران و انگلیس نگارش محمود محمود